

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه مازندران  
دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

سازمان نظامی و اطلاعاتی  
توسعه و آموزش

مطالعه در حقوق ایران  
موضوع

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد  
رشته حقوق جزا و جرم شناسی  
استاد راهنما:

جناب آقای دکتر ابوالحسن شاکری

استاد مشاور:

جناب آقای کیومرث کلانتری

نگارش:

۴۲۲۸۷

کریم اتقانی کرد کلاسی

دی ۱۳۸۰

۱۳۸۱ / ۱۵ / ۲۰

توفیق اینجانب در تهیه و تدوین پایان نامه حاضر معلول زحمات بی دریغ همه اساتید رشته حقوق دانشگاه مازندران است. تلاش مستمری که توانایی علمی دانشجویان این رشته را به درجه ای ارتقا داد که در رقابتهای علمی توانسته اند حجم قابل قبولی از کرسی های تحصیلات تکمیلی را به خود اختصاص دهند .

نقش استاد محترم جناب آقای دکتر شاکری و معلم ارزشمند جناب آقای کلانتری که زحمت راهنمایی و مشاوره با اینجانب را در تهیه رساله حاضر ، تقبل فرمودند ، ستودنی است . همچنانکه در خارج از محیط تحصیل ، زحمات همسر فداکار و تشویقات پدر بزرگوام عامل مؤثر در نیل به چنین موفقیتی بحساب می آید .

ارادت و سپاس بی پایان خود را به این عزیزان تقدیم می دارم

## تقدیم به :

بزرگان و فرزانه‌گانی که در طول تاریخ به عهد انسانی خود در اقامه و نشر حقیقت وفا دار مانده و از شکستن قلم و قدم خویش نه‌راسیدند ، در مقابل هدایت انسان‌ها جز خشنودی معبود طلب نکرده و به نام‌لایمات روزگار از وظیفه آسمانی خود غفلت نورزیده اند و حیات علمی و انسانی جوامع بشری را تا ابد و امدار بزرگی خویش ساخته اند .

« رحمت خدای تعالی جزایشان باد »

## چکیده

«مرور زمان کیفری در حقوق ایران» موضوعی است که با توجه به تحولات قانونی و نیازهای قضایی موجود، برای پایان نامه حاضر انتخاب شده است. سوابق تاریخی مرور زمان در حقوق ایران، تغییرات قوانین مربوط به آن، بررسی نظرهای موافق و مخالف دانشمندان، تحلیل مقررات فعلی و نتیجه‌گیری از بحثها، عنوان بخشها و فصلهای مختلف را تشکیل می‌دهد. نتیجه‌ای که نگارنده از بخشهای مذکور در این رساله بدست آورده است ضرورت تدوین و تصویب مقررات مرور زمان کیفری و توسعه آن در قوانین جزایی است. نقص مقررات جدید مرور زمان کیفری و لزوم اصلاح و تکمیل آن، در بخش سوم تا حد امکان مورد توجه قرار گرفته است. مواد ۱۷۳ الی ۱۷۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ که مربوط به مرور زمان کیفری و در کانون نقد و توجه قضات و حقوق‌دانان قرار دارد نیز مورد بررسی قرار گرفته است که امید است مقدمه مناسبی برای اصلاحات بعدی این مقررات باشد.

## علايم اختصارى

ق . ۱	قانون اساسى جمهورى اسلامى ايران
ق . م . ۱	قانون مجازات اسلامى
ق . آ . د . ك	قانون آيين دادرسى كيفرى
ق . آ . د . م	قانون آيين دادرسى مدنى
ق . م . ع .	قانون مجازات عمومى
ق . ت	قانون تجارت
ه . ش	سال هجرى شمسى
ه . ق	سال هجرى قمرى

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار .....
۴	مقدمه .....
۹	بخش یکم : کلیات .....
۹	فصل اول: تعریف و مفهوم .....
۹	گفتار اول : تعریف لغوی .....
۱۰	گفتار دوم : تعریف اصطلاحی .....
۱۲	گفتار سوم: مقایسه مقررات مرور زمان با احکام مشابه در قوانین .....
۱۵	فصل دوم : اقسام مرور زمان .....
۱۶	گفتار اول : انواع مرور زمان .....
۲۰	گفتار دوم : مقایسه مرور زمان کیفری ومدنی .....
۲۳	فصل سوم : پیشینه تاریخی مرور زمان .....
۲۳	گفتار اول : تاریخچه مرور زمان در حقوق ایران .....
۲۳	۱- مرور زمان در ایران قدیم .....
۲۶	۲- مرور زمان در حقوق جدید ایران .....
۲۶	۱-۲- مرور زمان مدنی .....
۳۶	۲-۲- مرور زمان کیفری .....
۴۳	گفتار دوم : مرور زمان در حقوق کشور های دیگر جهان .....
۵۲	بخش دوم : نقد مرور زمان کیفری .....

۵۳	فصل اول : نظر حقوق دانان
۵۳	گفتار اول : موافقین مرور زمان کیفری
۶۰	گفتار دوم : مخالفان مرور زمان کیفری
۶۳	نتیجه : ضرورت مرور زمان کیفری
۶۶	فصل دوم : نظر فقهای اسلامی
۶۷	گفتار اول : تاریخچه و شاخه های فقه اسلامی
۷۰	گفتار دوم : مرور زمان کیفری در فقه اهل سنت
۷۱	۱- نظریه ابو حنیفه و موافقان او
۷۴	۲- نظریه امامان مذاهب دیگر اهل سنت
۷۵	گفتار سوم : مرور زمان در فقه امامیه
۷۶	۱- مرور زمان مدنی در فقه امامیه
۷۶	۱-۱ دلایل عدم قبول مرور زمان مدنی در فقه امامیه
۷۸	۱-۲ دلایل فقهی در قبول مرور زمان مدنی
۸۱	۲- مرور زمان کیفری در فقه امامیه
۸۱	۱-۲ مرور زمان در حدود ، قصاص و دیات
۸۳	۲-۲ مرور زمان در تعزیرات
۹۱	بخش سوم : احکام و آثار مرور زمان
۹۲	فصل اول : احکام و مقررات مرور زمان کیفری



۹۲	گفتار اول : احکام مرور زمان کیفری
۹۲	۱- مبدأ مرور زمان تعقیب یا جرم
۹۳	۱-۱ مبدأ مرور زمان در جرایم فوری ( آنی )
۹۴	۱-۲ مبدأ مرور زمان در جرایم مستمر
۹۶	۱-۳ مبدأ مرور زمان در جرم به عادت
۹۶	۱-۴ مبدأ مرور زمان در جرم مرکب
۹۶	۲- انقطاع مرور زمان
۹۷	۳- تعلیق مرور زمان
۹۸	۳-۱- علل قضایی تعلیق
۹۸	۳-۲- علل عملی تعلیق
۹۸	۴- مبدأ مرور زمان حکم و مجازات
۱۰۱	گفتار دوم : اوصاف و آثار مرور زمان کیفری
۱۰۱	۱- امری بودن مقررات مرور زمان
۱۰۱	۲- مرور زمان و اعتبار امر محکوم بها
۱۰۲	۳- توجه به مرور زمان در تمام مراحل دادرسی
۱۰۲	۴- مرور زمان کیفری و حقوق شاکی و مدعی خصوصی
۱۰۲	۵- بقای محکومیت و سجل کیفری
۱۰۳	۶- مرور زمان کیفری و مجازاتهای تبعی و تتمیمی

۱۰۳	گفتار سوم : مرور زمان در انواع مختلف جرایم
۱۰۶	فصل دوم : مرور زمان در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی انقلاب در امور کیفری مصوب ۷۸/۶۳۰
۱۰۶	گفتار اول : دایره اعتبار و اجرای مقررات مرور زمان
۱۰۷	۱- نوع جرایم و مجازاتهای مشمول مرور زمان
۱۰۸	۱-۱- مجازاتهای باز دارنده
۱۱۶	۱-۲- مرور زمان در اقدامات تأمینی و تربیتی
۱۲۰	۲- اعتبار مقررات مرور زمان در مراجع مختلف قضایی
۱۲۵	گفتار دوم : انواع ، مدتها و آثار مرور زمان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۷۸/۶۳۰
۱۲۵	۱- انواع مرور زمان
۱۲۶	۲- مدت‌های مرور زمان
۱۲۷	۳- آثار مرور زمان
۱۲۹	گفتار سوم : نتیجه بحث
۱۳۴	فهرست منابع

## پیشگفتار

تهیه و تدوین پایان نامه تکلیفی است که به میزان قابل ملاحظه ای با فعالیت‌های علمی دانشجویان در مسیر تعلّم و یادگیری متفاوت است زیرا ادای چنین تکلیفی با مطالعه، نقل و نقد و بررسی آراء و نظرات علما و اندیشمندان در موضوع انتخابی، و ارائه نظریاتی کاملتر از آنچه که از گذشتگان نقل شده است، ملازمه دارد.

چنین سیر و سلوک علمی را بیشتر در سیره دانشمندان و محققین با سابقه می توان سراغ داشت نه دانشجوی جوانی که سالها با یادگیری و انتقال یک طرفه اطلاعات علمی از طرف مدرسین و اساتید به خود، خو گرفته است. این مختصر عرض شد تا نقائص جزوه حاضر را توجیه، و اغماض و ارشاد خوانندگان در نارسائیه‌ها را ایجاب نماید.

کلام دیگر اینکه انجام این تحقیق با مطالعه و طرح و نقد نظرات مکاتب یا گروهها و افراد مختلف، پیوستگی تام دارد و نگارنده ناگزیر است با تقویت دلائل گروهی، دیدگاه دسته دیگر پیرامون موضوع تحقیق را نقض و رد نماید. این اقدام را نباید انکار مقام علمی افراد یا گروهی تلقی کرد. نتیجه گیری از مباحث در مورد تقویت و ضرورت تأسیس مرور زمان کیفری در

قوانین، نظری است که بطور حتم از ایراد و نقد دیگران مصون نخواهد ماند و لذا نگارنده نیز بررسی حاضر را برای تایید یا رد مرور زمان کیفری کافی نمی داند بلکه بر خورد صحیح با نهاد حقوقی مذکور را عبارت از اقدام جمعی گروهی از اهل علم می داند که با مطالعه و بررسی موازین دینی و حقوقی و رعایت مصالح و مقتضیات اجتماعی، بطور واقع بینانه در خصوص کیفیت وضع مقررات مرور زمان کیفری و غیر کیفری، نظرات جامعی را ارائه دهند تا اساس تصمیمات دستگاه قانونگذاری قرار گیرد.

یاد آوری میشود مرور زمان کیفری که با پیشنهاد و هدایت گرامی ترین اساتیدم بعنوان موضوع رساله حاضر انتخاب شده است از مباحثی است که مقررات مربوط به آن، پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ هـ ش از قوانین جزایی کشورمان حذف شد و کاربردی در قضاوت و حکم نداشته و به همین دلیل و ملاحظات دیگر، نزدیک به دو دهه از نقد و توجه نویسندگان دور افتاده است و آنچه که در ق. آ. د. ک دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ مورد توجه قرار گرفته نیز از بسیاری جهات با مقررات منسوخ پیشین تفاوت دارد به جهت همین تفاوتها و سابقه کوتاه اجرای قانون اخیر در محاکم قضایی، دسترسی به منابعی که با بحثهای جاری مرور زمان کیفری ارتباط داشته باشد بسیار مشکل است و چه بسا پس از گذشتن یک دوره طولانی اجرای این مقررات و ارزیابی نقاط قوت و ضعف آن از سوی اهل قلم، تحقیق پیرامون این موضوع از سهولت و غنای بیشتری برخوردار باشد.

امید است که مجموعه مطالب حاضر مفید واقع شود و برای تلاشهای علمی که در آینده پیرامون همین موضوع معمول خواهد شد، مقدمه مناسبی باشد. در این مجال لازم می دانم از زحمات بی منت همه اساتید حقوق دانشگاه مازندران و بطور خاص از زحمات جناب آقایان

دکتر ابوالحسن شاکری و کیومرث کلانتری که علاوه بر زحمتی که در تهیه پایان نامه تقبل فرمودند حق بزرگ تعلیم نیز بر ما دارند، تقدیر نمایم ، و از همکاران اداری خود و همه افرادی که در تهیه پایان نامه مساعدت کرده اند تشکر کنم.

## مقدمه

یکی از اهداف اصلی انقلاب مردمی ایران در سال ۱۳۵۷ هـ ش بدون هیچ تردیدی ایجاد تحولات و تغییرات لازم در قوانین کشور در جهت همسو ساختن آنها با موازین دین مبین اسلام بود، اما در خصوص کیفیت تأمین چنین مقصودی بین صاحب نظران و هدایت کنندگان انقلاب اتفاق نظر نبود. بعضی از صاحب نظران معتقد بودند که اداره امور کشور، بدون توسل به هیچ واسطه ای، باید منطبق با احکام شریعت اسلامی باشد و حکومت باید در شکل و محتوی از رویه صدر اسلام الگو بگیرد. در نظر این گروه، شارع مقدس قانونگذار است، آنچه در شریعت اسلامی و منابع دینی و فقهی موجود و در دسترس است، قانون اداره حکومت و جامعه اسلامی است و فقیه جامع الشرایط و منصوبین از قبل او، مجریان قانون محسوب می شوند، تفسیر و تطبیق امور بر احکام دینی نیز بعهده علما و مجتهدین است تا حکم امور مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و قضایی را از منابع دینی استخراج و اعلام نمایند.

گروهی نیز با انگیزه های مختلف در مقابل نظریه ای که گفته شد، معتقد بودند مقررات دینی، با توجه به تغییراتی که زمان و اختلاف جغرافیایی بر فرهنگ کشور ما وارد کرده است، توانایی سازماندهی و هدایت جامعه امروزی را ندارد و موازین مذهبی باید به تنظیم باورها، اعتقادات و امور عبادی و شخصی افراد محدود شوند و اداره امور کشور در شئون مختلف قانونگذاری، قضایی و اجرایی بر اساس دستاوردهای علمی بشر امروزی استوار گردد، البته هر دو گروه مذکور برای ادعاهای خود دلائلی نیز ابراز می کردند.

از بستر اختلاف نظر مذکور، متولیان برنامه ریزی برای آینده کشور، به یک نظریه تلفیقی و تعادلی رسیدند که بر اساس آن پذیرفته اند که بر خلاف دیدگاه گروه نخست نهادهای حقوقی امروزی مثل، ریاست جمهوری منتخب مردم، مجلس قانونگذاری، همه پرسی و فراندم، تدوین قوانین اساسی و عادی به شکلی که در اکثر کشورهای جهان جریان دارد ایجاد و اداره امور کشور بر اساس قوانین باشد و بر خلاف نظریه گروه دوم، تدابیری اندیشیده شد که قوانین مصوب، منطبق با موازین اسلامی و در اموری که در مقررات دینی سابقه ندارد، خلاف مسلمات دینی و فقهی نباشد.

با قبول چنین عقیده ای که مورد حمایت رهبری نهضت اسلامی نیز بود، پرچم داران افراط و تفریط به عقب رانده شدند و قانون اساسی با در نظر گرفتن دو ضرورت مذکور یعنی لزوم اداره امور کشور بر اساس قوانین، و ضرورت رعایت موازین شریعت اسلام در تدوین و تصویب قوانین، تهیه و در همه پرسی به تایید رسید و اعتبار یافت. اصول متعددی در قانون اساسی این نظریه را تایید می کند که اصل چهارم یکی از آنهاست، مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تشکیل شدند تا بر وضع قوانین نسبت به امور مختلف و عدم مغایرت مصوبات با موازین شرعی نظارت کنند. تصویب احکام مبهم و مجمل، نقض اصل پذیرفته شده